



مسئله غیبت در ادیان گذشته نیز رخ داده است/ شباهت اتفاقات اُمم سلف

پدیده غیبت برای رهبران آسمانی یک پدیده نوظهور و مختص به اسلام است یا پدیده ای است که در اُمم سالفه نیز سابقه داشته و در بین انبیاء گذشته هم این اتفاق افتاده است؟

پدیده غیبت برای رهبران آسمانی یک پدیده نوظهور و مختص به اسلام است یا پدیده ای است که در اُمم سالفه نیز سابقه داشته و در بین انبیاء گذشته هم این اتفاق افتاده است؟

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه بیست و ششم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

ما دوره حیات امام زمان را به چهار قسمت تقسیم می کنیم. یک قسمت از زمان ولادت امام تا روز شهادت پدر ایشان است که حدود ۵ سال از عمر امام را در بر می گیرد. در این مقطع که امام مخفی هستند ولی غایب نیستند. در این مقطع آن حضرت امامت ندارند چون پدرشان امام عسکری زنده هستند. بنابراین هرچه ما در مورد این ۵ سال بحث کردیم پیرامون شخصیت آن حضرت بود.

از ۸ ربیع الاول سال ۲۶۰ روز شهادت امام عسکری، دوره دوم زندگی امام شروع می شود که آن حضرت منصب امامت دارند. این بخش تا سال ۳۲۹ هجری قمری ادامه پیدا می کند که تقریباً ۶۹ سال است و تحت عنوان غیبت صغری از آن یاد می شود. از اینجا لقبی تحت عنوان امام عائب برای حضرت شکل می گیرد.

این مسئله مطرح است که پدیده غیبت برای رهبران آسمانی یک پدیده نوظهور و مختص به اسلام است یا پدیده ای است که در اُمم سالفه نیز سابقه داشته و در بین انبیاء گذشته هم این اتفاق افتاده است. جواب این به وضوح روشن است که غیبت اختصاص به اسلام و امام زمان ندارد. در اُمم گذشته برای برخی از انبیا اتفاق افتاده است.

ادریس پیامبر، نوح، هود، حضرت عیسی، حضرت موسی، حضرت یوسف و صالح از پیامبرانی بودند که دارای غیبت بودند.

حضرت نوح بعد از طوفان امت خود را جمع می کند و به جانشین خودش و پیامبری جناب هود بشارت می دهد. در تمام نقل های معتبر بین نوح و هود ۴۰۰ سال دورانی است که این پیامبر الهی در غیبت به سر می برد. حضرت نوح ۹۵۰ سال رسالت داشت و ۸۶ نفر به کشتی سوار شدند. خدا دوباره آن ۸۶ نفر را امتحان کرد.

در کتاب بحارالانوار اثر علامه مجلسی بابی وجود دارد به نام باب «افتراق الامه بعد النبی علی ثلاث و سبین فرقه»؛ که بعد از پیامبر امت اسلامی به ۷۳ فرقه تقسیم شدند. با شروع این سرفصل روایاتی را می آورند که مشابهت امت اسلامی در حوادث پیش آمده در اُمم گذشته را نشان می دهد که مثلاً این حادثه اسلامی که برای فلان شخصیت اتفاق افتاده شبیه به چه کسی است؟

مثلاً اگر سقیفه در اسلام اتفاق افتاد این شبیه آن اتفاقی است که برای حضرت موسی رخ داد که سی روز قرار بود نباشد و ده روز اضافه شد و در این ده روز سامری آمد و می دانید چه اتفاقی افتاد. این مشابهت ها را به طور روایی جمع اوری کرده است و احادیث هم احادیث محکمی است.

از این استفاده می کنیم که پدیده غیبت امام عصر در امت اسلامی یک پدیده نوظهور نبوده بلکه در اُمم سالفه هم اتفاق افتاده است.

پیامبر اکرم می فرماید «كُلَّ مَا كَانَ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ فَإِنَّهُ يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مِثْلُهُ حَذُو النُّعْلِ بِالنُّعْلِ، وَ الْقَدَّةُ بِالْقَدَّةِ»؛ یعنی هر موضوعی که در ملت های قبل از من جاری شده در امت من هم اجراء خواهد شد.

از پیامبر اکرم در بخاری و صحیح مسلم آمده است «لَتَتَّبَعَنَّ سَنَنَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ شِبْرًا شِبْرًا وَذِرَاعًا يَذْرَاعُ حَتَّى لَوْ دَخَلُوا جُحْرَ صَبٍّ تَبِعْتُمُوهُمْ»؛ یعنی هر آینه شما متابعت می کنید از روش های گذشته، وجب به وجب، حتی اگر در یک مقطعی آنها مجبور شدند به لانه های سوسمار ورود پیدا کنند، شما هم چنین اتفاقی برایتان می افتد. این یک

کنایه است که برای شما هم چنین خطرهایی پیش می آید.

در روایت دیگری عبارت «؛» حتی لو سلکوا؛ استفاده شده است.

از این دو روایت هم از منابع شیعه و هم از منابع اهل سنت به این نتیجه می رسیم که حوادثی در جهان اسلام رخ می دهد که شبیه و نظیرش در امم سالفه هم اتفاق افتاده است.

یکی از موضوعات مطرح در معارف اسلامی بحث غیبت امام عصر است. غیبت ایشان بی سابقه نیست. غیبت آنقدر اهمیت دارد که خود امام عصر به جناب مرحوم صدوق اینجور دستور می دهند «؛» «أَمُرُكَ أَنْ تُصَيِّفَ وَ لَكِنْ صَيِّفِ الْآنَ كِتَابًا فِي الْغَيْبَةِ وَ اذْكُرْ فِيهِ غَيْبَاتِ الْأَنْبِيَاءِ؛» یعنی اکنون تو را امر می‌کنم که در باره غیبت کتابی تألیف کنی و غیبت انبیاء را در آن بازگوئی. این کتاب همان کتاب کمال الدین است.

مرحوم صدوق این دستور را گرفته اند و این مطلب را نوشته اند. باب اول تا هفتم این کتاب در جریان انبیاء سلف است که دچار غیبت شدند و چند سال غیبت کردند و غیبت آنها به چه شکلی بوده است.

موضوع غیبت را من از اینجا شروع می کنم. حنان ابن سدید از پدیرش از امام صادق نقل می کند «؛» «إِنَّ لِلْقَائِمِ مِثْلَ غَيْبَةِ يَطُولُ أَمَدَهَا فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ لِمَ ذَلِكَ قَالَ «لِيَأْتِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَبَى إِلَا أَنْ تَجْرِيَ فِيهِ سُنَنُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فِي غَيْبَاتِهِمْ وَ إِنَّهُ لَا بُدَّ لَهُ يَا سَدِيرُ مِنْ اسْتِيقَاءِ مَدَدِ غَيْبَاتِهِمْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لَتَرْكَبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ أَوْ سَنَنَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ؛»

یعنی «؛» قائم ما غیبتی دارد که طولانی می‌شود؛ عرض کردم: «؛» یابن رسول‌الله! علت آن چیست؟ فرمود: «؛» خداوند نمی‌خواهد این امر انجام شود، مگر اینکه تمام سنت و هادی را که پیامبران در غیبت و هایشان داشته‌اند، درباره او جاری کند و ناچار است ای سدید! که مدت غیبت همه پیغمبران را بسر برد. خداوند می‌فرماید: «؛» «لَتَرْكَبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ؛» که بی‌تردید شما حالی را پس از حالی خواهید پیمود؛ یعنی سنت کسانی که پیش از شما بوده‌اند [در مورد شما جاری خواهد شد].

دو نکته در این آیه ۲۰ انشفاق که حضرت اشاره کردند وجود دارد. اولاً «؛» «لَتَرْكَبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ؛» به چه معناست؟ یک معنای لغوی دارد و یک فرمایش از مرحوم طبرسی نقل می کنم.

طَبَق یعنی مطابق با غیر خودش. یعنی حالتی پس از حالتی که در حول و هراس و شدت و سختی چون حالت دیگر است. هرچه آنجا اتفاق افتاده اینجا هم اتفاق می افتد.

مرحوم طبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان ده احتمال را در این آیه می دهد که یکی را بیان می کنیم.

در مورد معنای آیه از امام صادق سوال شد و حضرت فرمودند «؛» «يَكُونُ فَيْكُمُ مَا كَانَ فِيهِمْ وَ يَجْرِي عَلَيْكُمْ مَا جَرَى عَلَيْهِمْ؛» یعنی هر چه آنجا جریان داشته اینجا هم جریان می یابد.

لذا یکی از چیزهایی که آنجا یعنی در امم سالفه اتفاق افتاده بحث غیبت است که اینجا هم رخ داده است.

این روایتی که ما خواندیم دو نکته داشت یکی «؛» «لَتَرْكَبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ؛» یعنی پیروی می کنید از تمام آنچه آنجا رخ داده است ولی امام یک عبارت دیگر دارند «؛» «إِنَّهُ لَا بُدَّ لَهُ يَا سَدِيرُ مِنْ اسْتِيقَاءِ مَدَدِ غَيْبَاتِهِمْ؛» یعنی مهدی ما ناگزیر است از پر کردن مدت غیبت های رهبران قبلی.

یعنی آیا مدت غیبت امام عصر به اندازه مجموع غیبت های انبیای گذشته است؟ یا معنای دیگری دارد بین محدثین اختلاف است.

به هر ترتیب باید گفت نماز خواندن امام عصر بر بدن پدر خود و کلماتی که بین او و ابوالادیان رد و بدل شد و پس از آن خارج شدن آن حضرت از میان جمعیت آغاز غیبت صغری است.

غیبت از آن مقولاتی است که شما نظیر آن را کمتر پیدا می کنید که تمام معصومین از پیامبر تا امام عسکری پیرامون آن روایت داشته باشند. جز معدود معارفی است که پیامبر و یازده امام در مورد آن روایت دارند.

وقتی خصوصیات غیبت صغری را بیان می کنیم باید ببینیم که آیا اقتضا داشت که این دوران بیش از ۶۹ سال به طول بیانجامد یا خیر؟ باید تمام مطالب را پیرامون آن مطلب بیان کنیم تا این سوال پاسخ داده شود.